



جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

در جنگ بین **ایران** و **عراق** علی رغم پشتیبانی قدرت‌های بزرگ از عراق نه تنها یک وجب از خاک ایران در دست نیروهای عراقی باقی نماند، بلکه عراق به عنوان کشور متجاوز به نظام بین الملل معرفی شد.

فهرست مندرجات

۱ - مقدمه

۲ - تاریخچه نزاع

۳ - قرارداد الجزایر

۴ - انقلاب اسلامی ایران

۵ - رهبری جهان عرب

۶ - نتیجه گیری

۷ - پانویس

۸ - منبع

مقدمه

تاریخ معاصر **ایران** همواره در پی بروز هر جنگی، شاهد جدایی بخش‌هایی از این سرزمین پهناور به دست بیگانگان بوده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت در دوپست سال گذشته، یعنی از زمان «**فتحعلی شاه قاجار**» به بعد، نزدیک به یک میلیون کیلومتر مربع از خاک ایران جدا شده است. اما علی رغم پشتیبانی قدرت‌های بزرگ از **عراق**، روند منکور در **جنگ** ایران و عراق ادامه پیدا نکرد و سرفصل جدیدی از تاریخ ایران را در صفحات تاریخی به ثبت رساند. در این جنگ نه تنها یک وجب از خاک ایران در دست نیروهای عراقی باقی نماند، بلکه عراق به عنوان کشور متجاوز به نظام بین الملل معرفی شد.^[۱] درودیان، محمد، جنگ بازیابی ثبت، ص ۱۴.

حل در این مقال بر آنیم که با نگاهی به اسناد بیرون آمده از متون تاریخی و وقایع خبری به علل پیدایی و شروع جنگ از جانب عراق با تاکید بر ذهنیت سیاستمداران عراقی بپردازیم.

تاریخچه نزاع

سابقه تاریخی نزاع ایران و عراق را باید میراث نزاع ایران و **عثمانی** دانست. اختلافات ایران و عثمانی در طول چهار قرن ۱۹۱۴ - ۱۵۱۴م. علی رغم بسته شدن قراردادهای صلح متعدد و همچنین پروتکل‌های مرزی،^[۲] پارسا دوست، منوچهر، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق، ص ۲۷.

همچنان حل نشده ماند و با فروپاشی امپراطوری عثمانی، به دولت تازه استقلال یافته عراق انتقال یافت.^[۳] حمیصی، مرتضی، بنیان‌های تعارض در روابط ایران و عراق، ص ۲۹ به بعد.

قرارداد الجزایر

با توجه به موقعیت سوق الجیشی خلیج فارس در منطقه و تأثیراتی که به لحاظ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در منطقه داشت و همچنین با توجه به ذخایر عظیم نفتی، این قسمت از نقشه جغرافیایی، در اواخر دهه ۱۹۷۰م. برخی تحلیل گران سیاسی معتقد بودند که خلیج فارس تنها منطقه حیاتی کشمکش بین آمریکا و شوروی است.^[۴] هالیدی، فرد، تکوین دومین جنگ سرد جهانی، ترجمه هرمز همایون پور، ص ۱۴۶.

و به همین خاطر این دو قدرت در تلاش برای نفوذ بیشتری در این منطقه هستند. آمریکا با تقویت ایران و شوروی با حمایت از عراق گام‌های عمده‌ای در تحقق این برنامه برداشتند که با توجه به برتری و تسلطی که آمریکا بر ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس داشت از موضع برتری برخوردار بود.

آمریکا بر مبنای دکترین "نیکسون"، خواهان حفظ ثبات و امنیت منطقه با تقویت قدرت‌های منطقه بود که در همین راستا از ایران به عنوان قدرت نظامی و از **عربستان** به عنوان قدرت اقتصادی حمایت می‌کرد. پیاده کردن چنین الگوی سیاسی از سوی آمریکا در منطقه، مانع از وقوع بحران‌های شدید شد و تداوم جریان نفت به سوی غرب را تضمین می‌نمود. در این موقع ایران به عنوان ژاندارم منطقه، ضامن اصلی ثبات در منطقه بود. در این اوضاع و احوال بود که قراردادی مابین دو کشور ایران و عراق تحت عنوان قرارداد الجزایر منعقد

گردید که بر اساس آن مرز مشترک آبی در رودخانه اروند طبق خط تالوگ شناخته شد. انعقاد قرارداد الجزایر در حالی بود که عراق ادعای مالکیت مطلق بر اروند را داشت و این قرارداد، مهر باطلی بر این ادعا به حساب می‌آمد. پس از این قرارداد مسئولان عراقی با چرخشی محسوس در سیاست خارجی خود، سیاست نزدیکی به کشورهای غربی از جمله اروپای غربی را به منظور تقویت موقعیت سیاسی و نظامی خود در منطقه، در اولویت برنامه‌های خود قرار دادند که منجر به انعقاد قراردادهای متعدد نظامی شد. فرانسه به عنوان اصلی‌ترین تامین‌کننده سلاح‌های نظامی برای عراق بود.

انقلاب اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ ش (۱۹۷۹ م) منجر به سقوط شاه در ایران و به هم خوردن نظم و ساختار امنیتی در منطقه شد. با وقوع انقلاب ایران و ایجاد خلاء قدرتی که در منطقه به وجود آمد، فرصت کافی و لازم برای تحرک و عرض اندام کردن بازیگرانی نظیر عراق فراهم آمد. رهبران عراق در این وضعیت، فرصت به دست آمده را مغتنم شمردند و با اتخاذ سیاست‌های همسو و هم‌جهت با غرب در تلاش بودند تا از خلاء امنیتی منطقه سود ببرند و خود را به عنوان بازیگر اصلی در میان کشورهای منطقه مطرح سازند. در این میان **انقلاب اسلامی** نیز با توجه به ویژگی‌هایی که در سیاست‌های اعلامی خود داشت، ضمن اینکه به عنوان تهدید اصلی برای آمریکا محسوب می‌شد، زمینه را برای حمایت آمریکا از کشوری که بتواند تهدیدی برای ایران باشد، فراهم می‌کرد که این مسئله با توجه به تمایل مسئولین عراقی برای عادی سازی روابط خود با غرب، نقطه امیدوارکننده‌ای برای آنها به حساب می‌آمد.

در مجموع باید گفت که با پیروزی انقلاب اسلامی بنای استراتژی آمریکا که بر دو ستون ایران و **عربستان** بنا شده بود، فروریخت به گونه‌ای که «مایکل لدین» در کتب خود اینگونه آورده است که:

«سقوط شاه»، نشانه فروریختگی بنای استراتژی ما در خلیج فارس گردید، استراتژی که ما آن را بر قدرت اقتصادی و سیاسی عربستان سعودی و نیروهای سیاسی و نظامی ایران پایه ریزی کرده بودیم. با محور رکن ایران، دیگر این استراتژی نمی‌توانست ایفای نقش کند.»

[۱۵] لدین، مایکل و ویلیام لوئیس، هزیمت یا شکست رسوایی آمریکا، ترجمه احمد سمیعی، ص ۳۰۱.

رهبری جهان عرب

وقوع انقلاب ایران و به وجود آمدن خلاء قدرت ناشی از آن در منطقه و همچنین وضعیت نامساعد داخلی ایران و روابط تیره این کشور در سطح خارجی، فرصت مناسبی برای رهبران عراق بوجود آورد تا با لغو یکجانبه قرارداد الجزایر به منظور تسلط بر ذخایر نفتی منطقه و دست یابی به موقعیت برتر در منطقه و رهبری جهان عرب، حمله گسترده نظامی را در شهریور ۱۳۵۹ علیه ایران دست بزنند.

تصور مسئولین عراقی در مورد موقعیت نظامی، سیاسی ایران را به راحتی می‌توان در گفته‌ها و نوشته‌های مسئولین عراقی یافت. به عنوان نمونه «طارق عزیز»، چهار ماه قبل از تهاجم عراق به ایران طی مقاله‌ای وضعیت سیاسی ایران را اینگونه بیان می‌کند که:

۱. تشتت نیروهای نظامی.

۲. تعدد مراکز تصمیم‌گیری و وجود اختلاف میان رهبران سیاسی و مذهبی که هر کدام به یکدیگر اتهاماتی می‌زنند.

۳. کشمکش‌هایی میان اقلیت‌ها و رهبران **حاکم** و عدم توانایی در حل مشکلات آنها.

۴. وجود **هرج و مرج**.

۵. آشنفتگی در روابط خود با کشورهای منطقه و **جهان**.

[۱۶] درودیان، محمد، از خونین شهر تا خرمشهر، ص ۲۳.

[۱۷]

نتیجه‌گیری

در پی سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی، اوضاع بین‌المللی و محیط منطقه بعد از انقلاب اسلامی ایران و درکی که عراقی‌ها از وضعیت سیاسی نظامی و اجتماعی ایران داشتند، همراه با اعتقاد به توانمندی نظامی خود در برابر ایران سبب شد تا رهبران و استراتژیست‌های **عراق** با هدف تبدیل شدن به قدرت اول منطقه و به دست گرفتن رهبری جهان عرب و دستیابی به ذخایر نفتی منطقه به **ایران** حمله کنند.

پانویس

۱. ↑ درودیان، محمد، جنگ بازیابی ثبات، ص ۱۴.

۲. ↑ یارسا دوست، منوچهر، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق، ص ۲۷.

۳. ↑ حمیصی، مرتضی، بنیان‌های تعارض در روابط ایران و عراق، ص ۲۹ به بعد.

۴. ↑ هالیدی، فرد، تکوین دومین جنگ سرد جهانی، ترجمه هرمز همایون پور، ص ۱۴۶.

۵. ↑ لدین، مایکل و ویلیام لوئیس، هزیمت یا شکست رسوایی آمریکا، ترجمه احمد سمیعی، ص ۳۰۱.

۶. ↑ درودیان، محمد، از خونین شهر تا خرمشهر، ص ۲۳.

منبع

سایت پژو و هه، برگرفته از مقاله «جنگ تحمیلی عراق علیه ایران».

